

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۰۶ - ۸۵

تبیین اندیشه‌های سیاسی - کلامی ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی و نقش او در تحکیم مبانی کلامی امامیه در عصر غیبت

جواد حقیر مددی^۱

چکیده

ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی یکی از مشاهیر مذهب شیعه و معروف به شیخ المتکلمین امامیه در عصر غیبت است که خدمات ارزنده‌ای در جهت ساختار مندی کلام شیعه، و دفاع از مذهب امامیه برجای گذاشته است و بسیاری از علما و فقهای قرون بعدی با واسطه شاگرد ایشان بوده‌اند. نظر به شکل‌گیری منازعه در دو حوزه اندیشه و کلام قبل از ابوسهل و باز تولید این اندیشه‌های در علما و متکلمین اعصار بعد، بررسی این دوره حائز کمال اهمیت است. چه آنکه بسیاری از اصول و معتقدات شیعه در مورد امامت و عصر غیبت در این دوره شکل می‌گیرد. با این وجود خدمات ابوسهل نوبختی را می‌توان در دو سطح خدمات سیاسی و خدمات علمی به جامعه شیعه توضیح داد. این مقاله با روش منطق بازسازی شده و با استناد به منابع دست اول به بررسی آراء و اندیشه‌های سیاسی - کلامی ابوسهل در دوره غیبت صغری می‌پردازد.

واژگان کلیدی

ابوسهل نوبختی، خاندان نوبختی، کلام، عصر غیبت، امامت.

۱. عضو هیات علمی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

طرح مسأله

ابوسهل اسماعیل بن علی بن اسحق بن ابوسهل بن نوبخت یکی از سرشناس‌ترین افراد خاندان نوبختی است که در زمان خود که مقارن با ایام غیبت صغرای امام عصر (عج) می‌باشد. او از رهبران بزرگ شیعه و از مشاهیر فلاسفه و متکلمان امامیه و نیز از شعرا و مصنفین، و دارای مصدر اداری بوده و در دیوان خلافت عباسی مقامی قریب به مقام وزیر داشته است. (اقبال، ۱۳۵۷: ۹۶) نجاشی او را معروف به شیخ المتکلمین می‌داند. (نجاشی، بی تا: ۳۰) بعلاوه استاد دو تن از سه استاد شیخ مفید بوده است (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۵۱ و نجاشی، بی تا: ۲۷۱، مکدر موت، ۱۳۸۴: ۱۶) شیخ طوسی در مورد او می‌نویسد: «کان شیخ المتکلمین من اصحابنا بی‌غداد و وجههم ... و صنف کتبا کثیره (طوسی، ۱۴۱۷: ۴۹). این فیلسوف شیعی از نظریه پردازان اصلی امامت شیعی در عصر غیبت صغری می‌باشد. هر چند ابن ندیم نوشته است که ابوسهل در مسئله غیبت امام زمان نظری شگفت‌انگیز داشت و آن، این بود که، امام دوازدهم در ایام غیبت وفات کرده است ولی پسرش جانشین او شد و این جانشینی از پدر به پسر ادامه خواهد یافت تا آن زمان که مشیت خدا مقتضی آن شود که یکی از اخلاف امام دوازدهم به نام مهدی ظهور کند (ابن ندیم، ۱۳۴۳، ۱۷۶) اما این نظر به هیچ وجه صحیح نیست و با دیدگاه ابوسهل ناسازگار است.

عباس اقبال اشاره کرده است که در هیچ یک از نوشته‌های شیعی دیگر چنین اعتقادی به ابوسهل نسبت داده نشده است. بعلاوه بخشی از کتاب او به نام التنبیه یا تنبیه الامامه که ابن بابویه آن را در کتاب کمال الدین و تمام النعمه (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۸۸/۱) خود نقل کرده است، در آن چنین نظری دیده نمی‌شود. به همین جهت اقبال چنین نتیجه گرفته است که حتی اگر ابن ندیم در گفته خود در نسبت دادن چنین نظری به ابوسهل صادق بوده باشد، باید گفت که ابوسهل بعدها نظر خود را تغییر داده است (مکدر موت، ۱۳۸۴، ۳۰). در مورد چگونگی گرایش نوبختیان به مذهب تشیع اطلاع دقیقی در دست نیست. شاید معروف بودن این خاندان به تشیع و دفاع آنها از تفکر شیعی دوازده امامی در طول چندین قرن موجب شده است تا چگونگی گرایش این خاندان به مذهب شیعه مورد توجه جدی مورخان قرار نگیرد. برخی نویسندگان گرچه خاندان نوبختی را شیعه

می‌دانند در مورد تشیع نوبخت و فرزندش ابو سهل - جد سوم اسماعیل - به دلیل خدمت آنها در دربار منصور عباسی تردید دارند. (محسن امین؛ ج ۲: ۹۴-۹۵) البته این دلیل درستی نمی‌تواند باشد زیرا بسیاری دیگر از این خاندان که تشیع آنها ثابت و آشکار است در کارهای حکومتی و در خدمت خلفا و در رأس مشاغلی در دستگاه خلافت بودند. علاوه بر این افراد دیگری از اصحاب ائمه به دستور ایشان وارد دستگاه خلافت شدند. در هر حال فرزندان ابو سهل بن نوبخت در طول تاریخ به تشیع امامیه شهرت داشته‌اند و یا به قول ابن ندیم به ولایت آل علی معروف شده‌اند. (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۱۷۷) مهمترین برجستگی معرفتی - هستی‌شناختی ابوسهل اسماعیل نوبختی را نگرش کلامی در خصوص کلام و باورهای سیاسی امامیه و تدوین و برسازی آن بر مبنای عقل و نقل تشکیل می‌دهد. لذا مساله ما در این تحقیق حول محور شکل‌گیری نگرش کلامی امامیه بدست ابوسهل نوبختی است. بر این اساس سوال مورد نظر ما در این پژوهش این است که نقش ابوسهل نوبختی در تدوین کلام و اندیشه سیاسی امامیه در عصر غیبت چیست؟

در پاسخ به این پرسش به تبیین تاریخی - نظری در قالبی توصیفی - تحلیلی می‌پردازیم و با تکیه بر متون موجود سعی بر ارائه تصویر منسجمی از نقش او در تدوین کلام امامیه در عصر غیبت صغری داریم. داده‌های پژوهش نیز با شیوه کتابخانه‌ای فراهم آمده است.

پیشینه پژوهش

موضوع مورد بحث ما در این نوشتار از مسائلی است که تاکنون تحقیقی در باب آن صورت نگرفته است و در نوع خود بدیع و جدید می‌باشد. البته آثاری چند که دارای ارتباطی وثیق با موضوع هستند وجود دارند که می‌توان آنها را به چند دسته کلی تقسیم کرد: ۱. آثار تاریخی و رجالی اعم از تواریخ عام و کلی که در آنها به خاندان نوبختی کم و بیش اشاره شده است مانند رجال نجاشی و رجال شیخ طوسی یا تاریخ طبری و مروج الذهب مسعودی و زندگی‌نامه‌ها و تواریخ خاص مانند خاندان نوبختی اثر اقبال آشتیانی یا تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم نوشته جاسم حسین یا ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی نوشته عبدالرحیم ابادری. اینگونه آثار با صبغه تاریخی به زندگانی برخی از

بزرگان خاندان نوبختی توجه کرده اند و کمتر مترصد دیدگاهها و اندیشه های آنان شده اند هرچند در درون زنگی آنها به برخی آرای آنها اشاره های کوتاه داشته اند. لذا تنها برخی از داده های آنها مورد توجه ما واقع شده است. ۲. آثار کلامی مانند اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات اثر شیخ مفید، کلام شیعه ماهیت، مختصات و منابع، اثر محمد رضا کاشفی، سیر تطور کلام شیعه از عصر غیبت تا خواجه نصیر، اثر محمد صف جبرئیلی یا اندیشه کلامی شیخ مفید اثر مکدموت و... یا آثار کلامی مخالفین شیعه امامیه اینگونه آثار نیز غالباً و به صورت پراکنده به دیدگاههای کلامی خاندان نوبختی و غالباً در درون مباحث دیگر و نه به صورت مستقل پرداخته اند. برخی نیز توسط مخالفین امامیه و در رد آنان نوشته شده است مانند آثار برخی از متکلمین معتزله یا اشعری یا نوشته های برخی از مستشرقین. در این میان نوشته های شیخ مفید همچون اوائل المقالات از بهترین منابعی است که عقاید نوبختیان را در مسائل اصول دین و مذهب، بررسی کرده است. وی علاوه بر تبیین آرای خود، به مقایسه آن ها با آرای نوبختیان و دیگر شیعیان، معتزله و اهل حدیث پرداخته و تأثیر گذاری فرقه ها و نحله های فکری را بر یکدیگر بیان کرده است. آثار تحلیلی سیاسی - تاریخی مرتبط با مسأله غیبت مانند غیبت نعمانی، دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان بغداد و قم اثر نیومن، غیبت و مهدویت نوشته جاسم حسین و شاسادینا، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری اثر حسین زاده شانه چی، تاریخ عصر غیبت نگاهی تحلیلی بر غیبت امام دوازدهم، اخبار الوکلاء اربعه تألیف ابوالعباس احمد بن علی بن عباس بن نوح سیرافی (متوفی حدود ۴۰۸ق) و.. این تحقیق در نظر دارد به بررسی اندیشه های ابوسهل نوبختی و تأثیر وی بر اندیشه کلامی شیعه پردازد و نقش ابوسهل را در شکل گیری و مفصل بندی اندیشه های کلامی - فقهی شیعه را مورد تحلیل قرار دهد.

مختصات کلام امامیه در عصر ابوسهل نوبختی

به لحاظ تاریخی اگرچه مباحث کلامی به معنی اصطلاحی آن از قرن دوم هجری رواج یافت، اما در گفتار امامان بویژه امام علی (ع) سابقه دیرینه داشت. لیکن شکل گیری جدی کلام شیعی را در دوران امام صادق (ع) و شاگردان آن حضرت دانسته اند. برخورد

آرای فرقه ها و نحله های مختلف اسلامی و غیر اسلامی و ضرورت پاسخ گویی عالمان شیعه به این شبهات و مسائل ، بالاجبار عالمان شیعه را ناگزیر کرد که برای مقابله با مخالفان خود که گرایشهای کلامی و اعتزالی داشتند به شیوه و روش خود آنها متوسل شوند (حسین زاده ، ۱۳۸۶، ۲۵۰). طلیعه داران مکتب نوین کلامی شیعه ، نگرش عقلی را در مورد عدل و آزادی انسان پذیرفتند ، اما مبانی مکتب تشیع را در مورد امامت همچنان حفظ کرده و از آن شدیداً پشتیبانی می نمودند (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۷، ۲۱۳) این گرایش با پیوستن نسلی از دانشمندان فلسفه گرا مانند ابوسهل اسماعیل بن علی و ابو محمد حسن بن موسی نوبختی تقویت شد و در واقع شکل برهانی بخود گرفت و با انضمام دانشمندان دیگری که قبلاً معتزلی بودند و سپس به مذهب حقه تشیع امامی گرویده بودند همچون ابو عبد الله اصفهانی و ابو جعفر رازی به شکل یک مکتب قدیم و مستحکم کلامی با ساختاری متین و درست در آمد (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶، ۲۱۵) با عنایت به اینکه در مکتب تشیع در دوران اولیه آن در قرن دوم هجری ، گرایش غالب ، مخالف با بحث های کلامی بوده است و چون نظر بر آن بود که چون امام بالاترین و عالی ترین مرجع شریعت است همه سوالات و استفسارات باید به او ارجاع داده شود و رهنمود های او که از نظر شیعیان حقیقت خالص و بیانگر واقع بود، پیروی گردد . پس جایی برای اجتهاد و استدلال عقلانی و به تبع بحث و مناظره در مباحث دینی نمی بود (کلینی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۷۹) علم کلام در مذهب شیعه وسیله ای شد در دفاع از اعتقادات این مذهب و واجد گرایشهای خاصی شد که مختص به اندیشه امامیه است .

بنیان های نگرش کلامی ابوسهل نوبختی

ابوسهل و سایر بزرگان نوبختی چیزی از نگرش کلامی شیعه امامیه قبل از خود را نکاستند بلکه آنان سعی کردند بنیان عقلی و فلسفی نیز برای کلام امامیه فراهم آورند. بطور کلی عناصر مهم کلام شیعی امامیه بر مبنای نگرش نوبختیان عبارتند از :

۱. خردگرایی: مقصود از خرد گرایی اهمیت دادن به تفکر و شناخت عقلانی در موضوعات عقیدتی و پایه ای دین است. کلام شیعه با الهام گیری از قرآن و سیره رسول خدا و نیز امامان معتقد است که دریافت و قبول اصول دین باید بر اساس برهان و استدلال

عقلانی پیش برود که نمونه بارز آن را می‌توان در اندیشمندان خاندان نوبختی همچون ابوسهل یافت.

۲. آزاد اندیشی: انسان با نیروی اختیار راه خود را می‌یابد و همین امر است که شخصیت او را می‌سازد. زیرا بنیان آدمی بر اعتقادات او نهاده شده است "اما این اعتقاد بدون آزادی ممکن نیست زیرا اگر آزادی نباشد انتخاب معنی ندارد و وقتی انتخاب معنی نداشت دیگر انسان نمی‌تواند پایه‌های عقیدتی خویش را به درستی شکل دهد." (کاشفی، ۱۳۸۶، ۱۲۹)

۳. واقع‌گرایی و حقیقت‌گرایی: کلام شیعه مانند کلام سایر فرق مطالبی ناظر به واقع است یعنی اعتقادات دینی که در کلام مطمع نظر است با واقعیت مطابقت دارد و از این رو کلام نیز به دنبال عقاید حقه صد در صد مطابق با واقع می‌گردد. در نتیجه حقیقت‌گراست و لذا نجات اخروی را در تحصیل یقین می‌داند.

۴. تمسک به آیات و روایات: واضح است که عمده مباحث کلامی باید فارغ از نقل و استناد به قرآن و حدیث باشد. زیرا اثبات اصول دین و دفاع از آن به دلیل تحقیقی بودن باید مبتنی بر تحلیل عقل و منطق و استدلال باشد. اما چیزی که کلام شیعه را در این امر ممتاز می‌کند استناد آن به آیات و روایت است و این امر بدین خاطر است که برخی از آیات و احادیث خود بیانگر استدلال عقلی است که به گونه‌ای روشن و درخور فهم همه ارائه شده است و این نکته‌ای بس مهم است که نگرش نوبختیان و امامیه را از نگرشهای اخباری متمایز می‌سازد.

نمونه استدلال ابوسهل نوبختی در اثبات حقانیت امامت و منصوص بودن آن چنین است: در میان مسلمانان تنها شیعیان معتقدند که امام از جانب خدا منصوص است. با توجه به اینکه آنان قدرت و دولتی ندارند انگیزه‌ای برای جعل اخبار جعلی نیز نخواهند داشت، به ویژه آنکه شمار احادیث آنها به حدی زیاد است که نمی‌توانند بر کذب اجتماع کنند. هنگامی که نقل شیعه درباره نص پیامبر بر امام علی (ع) صحیح باشد. بر همان اساس نص امام علی (ع) بر امام حسن، و از او به امام حسین (ع)؛ و همانطور امامان بعدی تا امام حسن عسگری و نص آن حضرت نسبت به امام عصر نیز صحیح است. او در پاسخ به این پرسش

که غیبت طولانی امام در واقع به منزله فقدان وجود امام در جهان است نیز می‌گوید. هنگامی فقدان وجود امام موجب از بین رفتن حجت خدا در زمین و سقوط شریعت در بین مردم می‌شود که کسی ضامن حفظ حیات او نباشد. اما اگر حفظ حیات او تضمین شده باشد، و پنهان شدن و غیبت او به جهت ترس از دشمنان و به امر خدا باشد. به علاوه اینکه او در ارتباط با مردم از طریق سفیر و نماینده مخصوص و معرفی شده خود باشد، که مردم به راحتی می‌توانند به واسطه آن با امام ارتباط داشته باشند. موجب بطلان حجت نخواهد شد (جبرئیلی، ۱۳۸۹، ۳۰۹)

ابو سهل اسماعیل در تدوین علم کلام مطابق مذهب امامیه چند کار کرد مهم و تعیین کننده داشته است که عبارتند از:

۱- ابو سهل در دفاع از عقایدی که متکلمین امامیه قبل از او یا همزمان او بنا بر تصویب ائمه هدی و قبول عموم امامیه مدون کرده بودند، علاوه بر بکارگیری نقل یعنی استفاده از آیات و احادیث که شیوه رایج و غالب بحث کلامی قرون اول و دوم هجری بود، اصول عقلی و فلسفی یا استدلالات برهانی عقلی را در تقریر مسائل کلامی مطابق عقیده امامیه به کار برد بنابراین سعی عمده و اصلی او دادن رنگ عقلی و فلسفی به کلام امامیه از طریق تکیه بر براهین عقلی در کنار براهین نقلی بوده است.

۲- او همچنین کلام شیعی را از بعضی تهمت‌ها در باب رویت و تشبیه و تجسیم و غیره که دامنگیر برخی از متکلمین اولیه امامیه شده بود، رهایی داده است و در نتیجه سعی کرده است علاوه بر کاربرد براهین عقلی در دفاع از عقاید شیعه، به تهذیب کلام شیعی از عقاید غیر قابل قبول امامیه که توسط برخی در متون کلامی وارد شده بود، بپردازد. شاگردان ابو سهل نیز همان نگرش کلامی او را تقریباً بدون تغییرات آنچنانی در میان امامیه منتشر ساخته‌اند.

۲- در باب مسئله امامت که از اهم مسائل فی مابین فرق اسلامی بود ابوسهل شیوه برهانی و استدلالی را در کنار ادله سمعیه و نقلیه یا قرآن و حدیث مورد توجه قرار داده است. متکلمین امامی قبل از ابو سهل بیشتر با ادله سمعیه و نقلیه موضوع "نص جلی و خفی" و اثبات خلافت بلافصل حضرت علی ابن ابی طالب (ع) و حقانیت امامت فرزندان

آن حضرت را پیش کشیده بودند ولی ابو سهل نوبختی و دو نفر از معاصرین او یعنی خواهر زاده اش ابو محمد حسن بن موسی نوبختی و ابوالاحوص داود بن اسد بصری اولین کسانی هستند که به تبعیت از ابن الراوندی در اثبات وجود امامت و بیان اوصاف امام و عدل ایشان قوه ی عقلیه را بکار برده و اگر هم با ادله سمعیه استناد جستند فقط برای تأیید ادله عقلیه و تصرف در استدلال بوده است (اقبال، ۱۳۵۷، ۱۰۲)

۳- در عرصه اجتهاد، ابوسهل اسماعیل نوبختی قائل به باز بودن باب اجتهاد بر مبنای کتاب و سنت با بکارگیری عقل است. او در رساله ای به نام (ابطال القیاس) به رد قیاس پرداخته و آن را مورد حمله قرار داده است. وی در مورد اجتهاد مورد نظر خویش بر آن است که حکم هر موردی را می توان با استفاده از قرآن و سنت فهمید، به شرطی که دقیقاً به فهم آن نائل شویم و این مسئله در چگونگی علاج تعارضات تفسیر و حدیث بیان شده است. (لمبتون، ۱۳۷۴، ۳۷۱) این ابداع در واقع همان استنباط اجتهادی مورد قبول فقیهان امامیه است که بعداً تبدیل به روش رایجی شد.

۴- او همچنین برای نخستین بار، مسئله امامت را ذیل مباحث نبوت و اصول دین قرار داد یعنی امامت را به عنوان اصلی از اصول دین مطرح ساخت. این اقدام یکی از مهمترین بنیان های نگرش کلامی او محسوب می گردد.

شکل گیری رهیافت کلامی ابوسهل نوبختی

ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی از متکلمان برجسته خاندان نوبختی در آستانه غیبت صغری که یکی از مهم ترین دوران های کلام شیعه است ظهور نمود. پس از افول مدرسه کوفه برخی متکلمان گمنام امامی تلاش هایی کلامی انجام دادند اما در عمل کلام امامیه دچار فترتی گردیده بود که تا ظهور نوبختیان که سر آغاز مدرسه کلامی امامیه در بغداد می باشند ادامه یافت. از این رو ابوسهل نقش مهمی در تاریخ کلام امامیه در نیمه دوم قرن سوم هجری و اوایل قرن چهارم که میانه مدرسه کلامی کوفه و بغداد است بر عهده دارد و در حقیقت میراث دار مدرسه کلامی کوفه و زمینه ساز مدرسه کلامی شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی می باشد. از آنجا که دیدگاه کلامی ابوسهل نوبختی با توجه به از بین رفتن تقریباً تمامی آثارش و نیز در پرتو هیمنه علمی مدرسه کلامی شیخ مفید و

شاگردانش به گونه‌ای منسجم و روشن به دست ما نرسیده است لازم است با عنایت به گزارش‌های به جا مانده از میراث کلامی این متکلم برجسته شیعی علاوه بر بازشناسی اندیشه‌های کلامی او به تبیین بخشی از تاریخ کلام امامیه که ابهامات فراوان دارد کمک نماییم.

نظام و قواعد و مباحث علم کلام تاریخی است و در گذر زمان شکل گرفته و پدید می‌آید (سبحانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۶) هر نسلی به نسل پیشین موضوعی یا انگاره‌ای کلامی و یا ساختاری نظام مند می‌آفریند. این واقعیت را می‌توان با تتبع تاریخی در کتاب‌های عقاید و کلام دریافت کرد و از ظهور و بروز مباحث و موضوعات کلامی و سیر تاریخی آنها اطلاع حاصل کرد. دوره‌های تاریخی شکل‌گیری منظومه کلامی شیعه را به جهت ساختاری می‌توان بدین شکل تصور کرد

۱. مرحله تکوین: عصر پیامبر اکرم (ص) ۲. مرحله گسترش: از ارتحال رسول الله (ص) تا اوایل قرن دوم ۳. مرحله تدوین موضوعی: قرن دوم و سوم هجری. ۴. مرحله تبیین و تنظیم موضوعی: قرن سوم و چهارم. در این مرحله متکلمان امامی با توجه به بروز تفکرات رقیب مانند معتزله، اهل حدیث و و همچنین غیبت امام، مسائل کلامی را بر اساس مکتب اهل بیت تبیین کردند و آنها را در موضوع‌های خاصی تنظیم نمودند. در این فضای گفتمانی بود که ابوسهل اسماعیل نوبختی (۳۱۱ق) کتاب التنبیه را در حوزه امامت شیعه به رشته تقریر در آورد.

استمرار نهاد و کالت و مفهوم مهدویت

در مکتب تشیع از آغاز پیدایش، حاکمیت و اندیشه سیاسی تعریفی خاص داشته است که با آنچه در جامعه آن عصر و در میان بیشتر مسلمانان، به ویژه زمام داران جامعه رواج داشته، کاملاً متمایز و متفاوت بوده است. اندیشه سیاسی در آیین تشیع پیش از آنکه سیاسی باشد، دینی و کلامی است و از منظر ایدئولوژی تعریف شده است. از این رو مقوله امامت در میان تشیع با حاکمیت و خلافت تفاوت ماهوی داشت. امامت از نظر تشیع ادامه نبوت و رسالت در قالبی دیگر بود و تنها کسی می‌توانست در آن جایگاه قرار گیرند که ویژگی یک نبی را داشته باشد و منصوص الهی باشد. با این اوصاف نهاد و کالت زمانی مطرح شد که به

دلیل فشار دستگاه خلافت عباسی امکان ارتباط مستقیم و علنی با امام معصوم کاهش یافته بود و یا امکان آن کم و حتی در برخی موارد ناممکن شده بود و یا اینکه این ارتباط از سوی دستگاه خلافت محدود می‌شد و این خود یک بحران در اندیشه شیعه محسوب می‌شد. در نتیجه شرایط بحرانی که ائمه (ع) در زمان سلطه عباسیان با آن رو به رو شدند آنان را واداشت تا ابزار جدیدی را برای ارتباطات با اعضای جامعه پیرو خود مطرح و ایجاد کنند.

مآخذ شیعه امامیه حاکی از آن است که امام ششم حضرت امام جعفر صادق نخستین امامی است که نظام زیر زمینی ارتباطات (التنظیم السری) را در عصر خویش بکار گرفت. در دوران آن حضرت بود که سازمان وکالت یا نمایندگی از طرف امام معصوم (ع) بتدریج شروع شد. به عنوان مثال: «معلی بن خنیس» وکیل امام صادق علیه السلام، حتی پس از تهدید به قتل، در پاسخ «داود بن علی» که از وی خواسته بود اسامی اصحاب امام علیه السلام را فاش نماید، گفت: «مرا تهدید به قتل می‌کنی، به خدا قسم اگر زیر پایم باشند، پایم را بر نمی‌دارم. دیگر وکیل امام صادق علیه السلام، «نصر بن قابوس لخمی» است که ۲۰ سال به طور پنهانی وکالت امام علیه السلام را بر عهده داشته است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ق: ۸۱/۴۷ و ۳۴۲) اگر چه گفته شده هدف اصلی وکالت جمع آوری خمس و زکات و انواع دیگر خیرات برای امام از ناحیه شیعیان بود گرچه امکان دارد وکالت اهداف دیگری را در آن زمان در بر داشته باشد (حسین، ۲۰۰۱، ۱۳۴) ولی اینگونه نبود بلکه سازمان وکالت رهبری غیر مستقیم امام معصوم توسط نمایندگان مطمن و راز دار در جامعه بود. "شواهد نشان می‌دهد که آنان «نقش ارتباطی» میان مردم و امام را داشته‌اند. آنان نامه‌ها، پیام‌ها، پرسش‌ها و مشکلات فردی یا عمومی شیعیان را به محضر امامان علیهم السلام می‌رساندند و پس از دریافت پاسخ، آن را به افراد ابلاغ می‌کردند." (جباری، ۱۳۷۰: ۲)

این شیوه ارتباطی در دوران امامت حضرت جواد شکلی نوین به خود گرفت که این شیوه ارتباطی در ایام امام هادی و امام عسکری به مرحله رشد و بالندگی خود رسید. آنگاه که فضای اختناق و کنترل شدید تماس شیعیان با امام معصوم را به مرحله دشوار و بس

ناممکن رساند آن امامان هر کدام اقدام به تعیین نمایندگانی در شهرها و نواحی مختلف شیعه نشین کردند، و به این وسیله سردمداران حکومت را در سردر گمی نهادند (اباذری، ۱۳۷۶، ۲۵)

ابوسهل نوبختی و گسترش افق علوم عقلی شیعه

ابوسهل نوبختی با اینکه در علوم مختلفی صاحب نظر بود، ولی به لحاظ رواج فلسفه و کلام در حوزه بغداد، بیشتر به علوم عقلی روی آورد، کتابهای فلسفه و کلام تالیف کرد یا به ترجمه عربی همت گماشت. ذهن ریاضی و فلسفی - کلامی که ابوسهل را بیشتر به حوزه مسائل عقلی میکشاند موجب شد تا کمتر به فقه و حدیث پردازند از سوی دیگر بحران و آشفتگی اوضاع اجتماعی شیعه در آغاز عصر غیبت امام عصر (عج) فرصتی مناسب برای دشمنان فکری و سیاسی آنها بوجود آورده بود تا با انگیزه نابودی شیعه و تفکر شیعی، به آزار سخت گیری و تبلیغات بر ضد آنان دست زنند از سوی دیگر انشعابات درونی شیعیان و تکفیر برخی توسط برخی دیگر بحران موجود را تشدید می کرد. دامنه این بحران تا زمان مقتدر عباسی و پس از آن ادامه یافت و کیان تشیع را در معرض خطر قرار داد. در همین زمان کتابهای زیادی در موضوع غیبت و اثبات امامت مهدی (ع) تالیف شد. نام کتابهای که در این دوران تالیف شده بیانگر آشفتگی جامعه شیعه پس از رحلت امام حسن عسکری (ع) است. علمای شیعه از این دوران پر فراز و نشیب به «دوره حیرت» تعبیر کرده اند. عبدالله جعفر حمیری از اصحاب امام هادی و امام عسکری در خدمت نایبان حضرت مهدی الغیبه والحیره را نگاشت علی بن بابویه قمی نیز الامامه والتبصره من الحیره را تالیف کرد. ابوسهل نوبختی نیز با استفاده از شخصیت علمی خود و نفوذ بالایی که در دربار عباسیان داشت و با بهره گیری از فن مناظره و مباحثه تمام همت خود را صرف اثبات اصول اعتقادی شیعه امامیه کرد و از این راه توانست دامنه انشعابات داخلی شیعه را جمع و آنان را تا اندازه ای از این بحران رهایی بخشد. وی بدین منظور از هیچ کوششی در مبارزه با انحراف های فکری جدیدی که در اثر غیبت پیش آمده بود دریغ نورزید و به نیابت حسین بن روح اعتراف و از انتشار عقاید حسین بن منصور حلاج و افراد دیگری که دارای عقاید انحرافی بودند، جلوگیری کرد.

بعلاوه، ابوسهل اسماعیل نوبختی در تائید و تثیت مذهب امامیه و رد اعتراضات مخالفین و بیان مسائل کلامی و سایر معارف کتب متعددی نگاشته است که به بیانی: عدد آن بالغ بر چهل کتاب و رساله می رسد و از این تعداد تنها جز یکی دو فقره نقلی که از بعضی از مولفات او در کتب مولفین بعد باقیست امروز اثری دیگر دیده نمی شود. کتب ابوسهل از مراجع عمده علما و متکلمین امامیه و اقوال کلامی او شاهد و موید قول ایشان و شخص او در عداد رجال شیعه و مصنفین معتبر فرقه امامیه بوده است. (اقبال، ۱۳۵۷، ۱۱۷) آثار ابوسهل اسماعیل نوبختی را در یک دسته بندی کلی، می توان در شش دسته به شرح زیر معرفی کرد:

- ۱ - کتب مربوط به امامت مانند (الاستیفاء فی الامامه، الانوار فی تواریخ الائمه، الجمل فی الامامه و غیره).
- ۲ - ردیه ها بر فرقه های شیعی غیر امامیه مانند (الرد علی الطاطری فی الامامه، الرد علی الغلاة)
- ۴ - ردیه ها بر یهود و منکران رسالت مانند (تثیت الرساله، الرد علی اليهود، نقض عبث الحکمه).
- ۵ - کتب مربوط به مسائل خاص کلامی مانند (الارجاء، التوحید، حدث العالم، کتاب الخواطر، الصفات و...)
- ۶ - ردیه ها در زمینه مسائل کلامی (غیر از امامت و نبوت) مانند (الرد علی ابی العتاهیه فی التوحید فی شعره، الرد علی اصاب الصفات، الرد علی من قال بالمخلوق، السبک در رد کتاب التاج ابن راوندی).
- ۷ - کتب مربوط به اصول فقه مانند (ابطال القیاس، الرد علی عیسی بن ابان، نقض اجتهاد الرأی و...)

اندیشه ابوسهل و نوبختیان در مورد امامت شیعه

در بررسی اندیشه های ابوسهل نوبختی باید به این امر توجه داشت که بنیانهای عقیدتی این خاندان علاوه بر تکیه بر کتاب و سپس حدیث شاهد تحول و پویایی در عرصه بکارگیری برهان و استدلال عقلی در جهت تثیت و تحکیم مبانی مکتب امامیه یا

اثنی عشریه بوده است. متأسفانه با توجه به اینکه تقریباً تمام آثار ابوسهل و بسیاری از آثار دیگر بزرگان این خاندان از بین رفته است و در نتیجه به دلیل عدم دسترسی به منابع و کتب تالیف شده توسط آنها، قسمت عمده اندیشه‌های این خاندان را بر اساس آرای می‌دانیم که متکلمان بعدی در رد و یا قبول نظریات ایشان در آثار خود مطرح کرده‌اند. بعلاوه بخش‌هایی از آثار کلامی آنها در برخی از کتب متکلمین و عالمان بعدی درج شده است.

برخی از نظریات مهم نوبختیان در خصوص امامت عبارتند از:

۱. امامت منصوص اصلی از اصول دین

خاندان نوبختی و بخصوص متکلمین اولیه آن چون ابوسهل در اثبات وجود امامت و تقریر صفات امام با ادله عقلیه بتدریج مسئله امامت را مثل توحید و عدل و نبوت در جزء اصول دین وارد و در مباحث کلامی داخل کرده‌اند. (اقبال، ۱۳۵۷، ۱۰۳) بنابراین، امامت در مسائل کلامی ذیل موضوع نبوت از مسائل کلامی مذهب امامیه شده است (اقبال، ۱۳۵۷، ۱۰۳). بعلاوه امام در نگاه ابوسهل و سایر نوبختیان منصوص و برگزیده الهی است و خداوند به دلایلی چون لطف، عدل و حکمت امام را برای هدایت و رهبری مردم منصوب می‌کند. منصوص بودن امامت به معنای آن است که امام تنها از سوی خدا به امامت منصوب می‌گردد.

آنان همچنین معتقد به این امر بودند که امامان از همه علوم و فنون و زبانها آگاه هستند (مفید، ۱۳۸۸، ۴۰). نوبختیان همچنین معتقدند همان گونه که امام با نص الهی انتخاب می‌شود کارگزاران ائمه (ع)، چه در دوران حضور یا غیبت نیز با نص (امام) انتخاب می‌شوند.

۲. علم امام

در ضرورت علم امام در بین شیعیان اختلافی نیست. اما گستردگی علم امام از موضوعاتی است که مورد اختلاف متکلمان امامی مذهب تشیع است. ابوسهل و نوبختیان علم امام را گسترده و فراگیر می‌دانند و به تعبیر شیخ مفید «علم امام را به عقل و قیاس واجب می‌دانند» (مفید، ۱۳۷۱ ه. ق. : ۳۸). شیخ مفید معتقد است که علم امام به لغات،

صنایع و فنون نه ممتنع است نه وجوب عقلی دارد. از این رو اگر روایات صحیحی وجود داشته باشد گستردگی علم را خواهیم پذیرفت، اما در صحت روایات تردید وجود دارد. ولی نوبختیان به وجوب عقلی در گستره علم امام اعتقاد داشته و فرقه‌های دیگری نیز با آنان همراه شده‌اند. همچنین در مورد شنیدن سخن فرشتگان کرام شیخ مفید آنرا جایز عقلی می‌داند ولی قائل است نوبختیان مخالف این نظرند. (مفید، ۱۳۷۱ ه.ق.: ۴۱-۴۲) البته منظور از شنیدن صدای فرشتگان در اینجا با توجه به واژه کرام مشخص نیست که آیا منظور وحی است یا اعم از آن است یا غیر آن. لذا اطلاع مشخصی در این مورد جز بیان شیخ مفید در دست نیست.

۳. عصمت امام

عصمت امامان: مساله عصمت ائمه از باورهای اصولی و اولیه دینی شیعیان است. علامه مجلسی می‌نویسد: «بدانکه اجماع علمای امامیه منعقد است بر آنکه امام معصوم است از جمیع گناهان صغیره و کبیره از اول عمر تا آخر خواه عمدا و خواه سهوا و مخالفت نکرده است در این باب کسی بغیر ابن بابویه و استاد او ابن الولید (ره) که ایشان تجویز کرده اند که در غیر تبلیغ رسالت و احکام خدا جایز است که ایشان سهو بفرمایند از برای مصلحتی...» (مجلسی، بی تا، ۱۵) از آنجا که شیعیان نصب امام را از باب لطف و حکمت و عدالت بر خداوند واجب می‌دانند، همچنان که فرستادن پیامبران را بر او واجب می‌دانند، لذا قائل هستند که امامان نیز همچون پیامبران دارای عصمت هستند. زیرا آنها اجرا کننده احکامی هستند که پیامبر (ص) از جانب خداوند آورده است آنها نگهبان شرع و بر پا دارنده همه رسالت‌های هستند که رسول خدا بر عهده داشته است بنا بر این اگر خطا و دروغ بر امام روا باشد هدفی که مقصود از امامت اوست حاصل نخواهد شد. شیخ مفید از آل نوبخت در کتاب اوائل المقالات بحث عصمت را در اندیشه نوبختیان را به شیوه بالا توضیح می‌دهد. (مفید، ۱۳۸۸، ۵۶)

۴. اعجاز امام

در مورد اعجاز و صدور معجزه توسط امامان سه نوع گفتمان در میان شیعیان

وجود دارد:

- (۱) بسیاری از امامیه همانگونه که معجزات را برای پیامبران لازم و عقلا واجب می‌شمارند ■ این امر را برای امامان معصوم منصوص نیز واجب می‌دانند.
- (۲) جماعتی دیگر از علما و شیعیان مانند شیخ مفید ظهور معجزات و آیات را برای امامان را ممکن می‌دانند ولی آن را نه عقلا واجب می‌دانند و نه قیاسا ممتنع می‌داند (مفید، ۱۳۸۸، ۶۲)
- (۳) گروه سوم کرامات را برای امام می‌پذیرند اما معجزه را تنها خاص پیامبران می‌دانند.

اما در مورد دیدگاه ابوسهل و خاندان نوبختی در باره معجزات امامان ما به دو نظر دست یافتیم. یکی نظر شیخ مفید که ابتدا نظر خود را بیان می‌کند مبنی بر اینکه «امکان آن هست ولی وجوب عقلی و نیز امتناع قیاسی ندارد.» (مفید، ۱۳۷۱ ه. ق. : ۴۰-۴۱). او سپس می‌نویسد: «نوبختیان با این نظر مخالفند و آن را رد می‌کنند و بسیاری از پیروان امامیه آن را عقلا واجب می‌دانند که بر پیامبران واجب می‌دانند.» (مفید، ۱۳۷۱ ه. ق. : ۴۱) بر مبنای این بیان و با توجه به اینکه شیخ مفید نظر اصلا متعرض نظر سوم در خصوص شیعیان نمی‌شود و آن را منسوب به معتزله - بجز ابن اخشید و پیروانش - می‌کند لذا دو نظر می‌ماند یکی نظر مبنی بر ممکن بودن اعجاز امام که نظر شیخ مفید است. دومی نظر مبنی بر واجب بودن اعجاز امام است که نظر بسیاری از پیروان امامیه و من جمله نوبختیان است. بنابراین ابوسهل و سایر نوبختیان قبل و معاصر شیخ مفید قائل به وجوب عقلی اعجاز امام هستند. نظر دوم، دیدگاه ابو اسحاق نوبختی در کتاب الیاقوت است که ظهور معجزه به دست امامان را جئاتر شمردهاست (محسن، ۱۳۸۵، ۱۱۸) او می‌نویسد: «و ظهور المعجزات علی أیدی الأولیاء و الأئمة جئاتر و دلیلہ ظهور المعجز علی آصف و علی مریم إلی غیر ذلک.» (نوبختی ابو اسحاق، ۱۴۱۳ ه. ق. : ۶۸). این بیان سخن از جایز بودن صدور معجزه است. البته نویسنده در دو جای دیگر کتاب خود به معجزه امام اشاره می‌کند. یکی در بحث بیان و معرفی امام که به نص یا اعجاز و علم است (نوبختی ابو اسحاق، ۱۴۱۳ ه. ق. : ۷۷) و دومی در بحث اثبات امامت علی (ع) که معجزات حضرت به عنوان اثبات ادعای امامت آن حضرت مطرح شده است. (نوبختی

ابو اسحاق، ۱۴۱۳ق.: ۸۰)

۵. هاشمی بودن امام

یکی از شرایطی که بویژه در قرون اولیه در جهان اسلام در مورد امام مطرح می شد. قریشی بودن امام است که برخی از علمای اهل سنت بر آن تاکید کرده اند. اما شیعیان بر مبنای نص (قرآن و سنت) معتقدند که مامان تنها از خاندان پیامبر (ص) هستند. عبارت دیگری که اینان در این خصوص بکار برده اند هاشمی بودن هست. شیعه و خاندان نوبختی معتقد به هاشمی بودن نسب امام هستند. اما نظر معتزله در این بین در سیلان بوده است معتزلیان متقدم، قریشی بودن را از شروط تصدی مقام امامت نمی دانستند، اما معتزلیان متاخر، بر خلاف اسلاف خود آن را از جمله شروط امامت تلقی کرده اند. عوامل متعددی را می توان برای این تغییر موضع آورد ۱- معتزلیان نخستین از موالی بودند و چنین شرطی نمی توانست مورد قبول آنها باشد ۲- در این دوره شاهد ظهور جنبش های شعوبی و تلاش برای باز گرداندن قدرت به ملتهای غیر عرب مغلوب بود. شرط قریشی بودن امام در چنین وضعیتی مطرح شده است. تا از این طریق در مقابل دستیابی عناصر غیر عرب و دارای گرایش های شعوبی به رهبری دولت و خلع ید از عناصر عرب مانع اساسی ایجاد شود (محسن، ۱۶۱، ۱۳۸۵)

۶. جایگاه مخالفان امام در آخرت

محقق اردبیلی نقلی دیگر از نوبختی ها و فقهای دیگر آورده است که مخالف علی (ع) در آتش و جهنم جاویدان نخواهد ماند. زیرا که کفر آنان به گونه ای نیست که موجب عذاب همیشگی باشد. در عین حال راهی برای ورود به بهشت نیز برای آنها متصور نمی شود. زیرا ایمان ندارند که به سبب آن استحقاق پاداش داشته باشند.

۷. ارتباط امام با فرشتگان

بر مبنای قرائن بدست آمده، ایشان بر این باور بودند که امام نه سخنان فرشتگان را می شنود و نه می تواند آنها را ببیند. اما شیخ مفید با این نظر مخالفت نموده و آنها را در ردیف کسانی قرار داده است که از نعمت آشنایی با احکام و احادیث محرومند و به دلیل اینکه دقت نظر ندارند نمی توانند راه درست را به پیمایند.

ابوسهل و انحرافات زمانه

هنگام شهادت امام حسن عسکری (ع) ابوسهل ۲۳ سال داشت بنابراین قسمت اعظم عمر وی در دوره غیبت صغری یعنی دوران بحران و آشفتگی اجتماعی شیعه سپری شد. چرا که بعد از شهادت امام حسن عسکری (ع) مخفی بودن فرزند ایشان، مخالفین طایفه امامیه خصوصاً خلفای عباسی را در مخالفت با آنان مصمم تر کرد تا آنجا که برای برچیدن بساط امامیه همه تلاش خود را به کار بردند. و از هیچ گونه، آزار و اذیت و سخت گیری نسبت به آنها دریغ نکردند سرانجام نیز المعتمد عباسی با آنکه دستور داد خانه و اموال ایشان را تفتیش و همه را مهر کنند و به دنبال فرزند حضرت باشند موفق به یافتن وی نشدند (کلینی، ۵۰۵، مجلسی، ۵۰، ۳۲۸، صدوق ۱۳۵۹، ۲، ۴۷۶)

سایر مخالفین امامیه نیز در این دوران با انتقاد و رد عقاید تشیع و ایجاد خدشه در اصول آنها از طریق تالیف کتاب و غیره برای نابودی تشیع تلاش می کردند که در این دوره به سبب ترجمه کتب منطقی و فلسفی یونانی و کتب مذهبی ملل غیر مسلمان از قبیل یهود و نصاری و زرتشتیان، بازار مباحثه و مناظره و مجادله رواج داشت (ابراهیم حسن، ۱۳۸۷؛ ۲، ۴۲۳-۴۲۴) همه فرق مذهبی با تالیف کتاب در صدد نقض و رد عقاید مخالفین و تایید مذهب خود بودند. به علاوه غیبت امام دوازدهم موجب اضطراب و تردید بسیاری از طرفداران این مذهب شد. به واسطه بروز اختلافات زیاد بعد از شهادت امام حسن عسکری، تشیع به شاخه های زیادی منشعب و به چهارده فرقه تقسیم شد که هر کدام در مورد امامت بعد از ایشان نظری متفاوت داشت (نوبختی، ۱۳۵۳، ۱۱۲-۹۶، اشعری قمی؛ ۱۹۶۳، ۱۱۶-۱۰۲)

در چنین فضایی ابوسهل از سویی با نگارش ردیه ها به دفاع از حریم مکتب امامیه به صورت خاص و اسلام به صورت عام نمود. او ردیه های گوناگونی در این خصوص نگاشته است. اینها را می توان شامل سه دسته دانست: الف) ردیه ها بر فرقه های شیعی غیر امامیه مانند (الرد علی الطاطری فی الامامه، الرد علی الغلاة). ب) ردیه ها منکران رسالت پیامبر و اسلام مانند (تثبیت الرساله، الرد علی اليهود، نقض عبث الحکمه). ج) ردیه ها در زمینه سایر مسائل کلامی (غیر از امامت و نبوت) مانند (الرد علی ابی العتاهیه فی التوحید فی

شعره، الرد علی اصاب الصفات، الرد علی من قال بالمخلوق، السبک در رد کتاب التاج ابن راوندی).

۸. تعامل ابوسهل با دیگر خاندانهای شیعه هم عصر

از دیگر اقدامات ابوسهل و نوبختیان در جهت تحکیم مبانی کلامی و اعتقادی مکتب امامیه، تعامل و همکاری و ارتباط با علمای بزرگ شیعه بویژه در ایران مانند اشعریان و آل بابویه وغیره بود. ارتباط خاندان‌های شیعه نوبختی، اشعری و بابویه قمی در گسترش فرهنگ شیعه و مبارزه با انحراف‌های فکری بخشی از ارتباط دو حوزه شیعی بغداد و قم را ترسیم می‌کند. از مجموع گزارش‌ها مرجعیت و اعتبار علمی حوزه قم و خاندان‌های بابویه و اشعری و تایید آنها توسط حوزه بغداد به رهبری نوبختیان بویژه ابوسهل و حسین بن روح دانسته می‌شود. حسین بن روح با درک این واقعیت مردم قم را محترم می‌شمرد به احتمال زیاد ملقب شدن نوبختی به قمی بیانگر شدت علاقه و ارتباط وی با مردم قم و علمای آن است. از طرفی نیز علمای قم نیز به رهبری خاندان نوبختی بویژه جایگاه ابوسهل در رهبری شیعیان و همچنین نیابت ابوالقاسم حسین به روح نوبختی از سوی امام قائم (عج) اعتراف داشتند. به عنوان مثال آمده است که حسین بن روح کتابی در فقه به نام التادیب تالیف کرد و آن را برای اظهار نظر به حوزه حدیثی و فقهی قم فرستاد آنان محتوای کتاب را جز یک مورد تایید کرده نزد وی باز دیگری از همکاری این دو حوزه را باید در مبارزه با غلو و انحرافات فکری جستجو کرد. ابوسهل نوبختی در بغداد و ابن بابویه در قم، هم زمان با منصور حلاج مبارزه کرده و وی را از شهر بیرون کردند. (رک: خطیب بغدادی: ج ۸، ۱۴۱) صدوق در مبارزه با غلو، کتاب ابطال الغلو و التقصیر و اسماعیل بن علی نوبختی کتاب الرد علی الغلات را تالیف کرد.

نتیجه‌گیری

موقعیت زمانی و تشتت آرای دینی به وجود آمده در اثر غیبت امام، نوبختیان را به این سو کشاند که کمتر به نقل توجه کنند و در در مباحث اصولی از عقل بهره گیرند. در این میان ابوسهل با تألیف نزدیک به چهل کتاب و رساله توانست مسائل کلامی شیعه، از جمله امامت را تبیین کرده، به اعتراضات مخالفان، پاسخ گوید. قوی بودن نقد و بررسی و استدلال او سبب شد تا دیر زمانی، آثار او به عنوان منبع و مرجع، در دست بزرگان و متکلمان امامیه قرار گیرد و او نیز خود به عنوان شیخ المتکلمین شناخته شود. به بیان اقبال او که در عصر غیبت صغری ریاست مکتب امامیه را در بغداد داشت به کمک سایر افراد خاندان نوبختی و بعضی از خاندانهای دیگر از یک طرف از مجاری سیاسی به رفع تفرقه امامیه و دفع مخالفان ایشان پرداخت و از طرف دیگر بوسیله حرب کلام و بذل مجاهدت علمی در این مرحله در حفظ و تثبیت اصول دینانی مذهب اثنی عشری همت گماشت

ابوسهل نوبختی در اثبات وجود امامت و تقریر صفات امام با ادله عقلیه بتدریج مسئله امامت را در جزء اصول وارد، و در مباحث کلامی داخل کرده است و امامت در مسائل کلامی ذیل موضوع نبوت از مسائل کلامی مذهب امامیه قرار گرفته است. ابوسهل نوبختی را پایه گذار برهان گرایی و عقل باوری در کلام شیعه یا کلام عقلی شیعه می دانند. برای ابوسهل خصلت نظری و استدلالی عقلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. وی به دلیل آشنایی با فلسفه ایران و یونان و کلام معتزلی، نظام وقواعد عقلی را پایه گذاری کردند که کلام شیعه را تا امروز تحت تاثیر قرار داده است. به طور مشخص گفتمان حکمی و عقلگرایی ابوسهل نوبختی پس از غیبت امام دوازدهم دو هدف عمده را پی گیری می کرد: ۱- احیای اتحاد شیعه علیه ظهور حدیث گرایی اهل تسنن و حامیان آن در محافل سیاسی و نظامی بر مبنای مجموعه موجود از گفتمان عقلانی و مشخصاً معتزلی که توسط محققان اولیه گسترش پیدا کرده بود. این اتحاد مشخصه بارز نیمه اول قرن سوم بود ۲- معقول ساختن اقتدا بر عقیده و عمل جماعت شیعه از طریق بنا نهادن یک ساختار سلسله مراتبی سازمانی. خاندان نوبختی و حامیانشان از طریق چنین اقداماتی در پی حفظ آینده جامعه شیعه بودند.

فهرست منابع

۱. اباذری، عبد الرحیم (۱۳۷۶) ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (سفیر سوم)، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۶) کمال الدین و تمام النعمه، به تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. _____، (۱۴۱۵) الهدایه، قم: موسسه الامام الهادی
۴. ابن ندیم، محمد ابن اسحاق، (۱۳۴۳) الفهرست، محمد رضا تجدد، تهران: نشر کتابخانه سینا.
۵. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۵۷) خاندان نوبختی، تهران: انتشارات طهوری.
۶. بیرونی، ابوریحان (۱۹۲۳م؛) آثار الباقیه، به کوشش ادوارد زاخائو، لایپزیک
۷. حسین، جاسم، (۱۳۶۷) تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ترجمه: سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، امیر کبیر،
۸. حسین، جاسم و شاسادینا (۱۳۷۶) غیبت و مهدویت، ترجمه محمود رضا افتخارزاده، قم: دفتر نشر معارف اسلامی
۹. حسین زاده شانه‌چی، حسن (۱۳۸۶) اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
۱۰. جبرئیلی، محمد صف (۱۳۸۹) دفتر دوم سیر تطور کلام شیعه از عصر غیبت تا خواجه نصیر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۱. صاحبی نخجوانی، هندو شاه (۱۳۶۱) تجارب السلف، به اهتمام امیر حسن روضاتی، اصفهان، انتشارات مخطوطات اصفهان.
۱۲. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (۱۳۸۷)، احتجاج، ترجمه بهزاد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، (۱۴۱۷هـ.) الفهرست، تحقیق جواد قیومی، بیروت: نشر الفقاهاه.
۱۴. مکدرموت، مارتین (۱۳۸۴) اندیشه کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران:

- انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم .
۱۵. مشکور ، محمد جواد(۱۳۷۹) تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم ، تهران : انتشارات اشراقی.
۱۶. مدرسی طباطبایی ، سیدحسین (۱۳۸۷) مقدمه ای بر فقه شیعه ، مترجم محمد آصف فکرت ، تهران : انتشارات پژوهشهای اسلامی .
۱۷. _____ (۱۳۸۶) مکتب در فرآیند تکامل ، ترجمه هاشم ایزد پناه ، تهران : انتشارات کویر.
۱۸. مجلسی ، محمد باقر(۱۴۰۴ق.) بحار الانوار ، بیروت : دارالاحیاء التراث العربی .
۱۹. _____ (بی تا) حیوه القلوب در امامت، تهران: کتابفروشی اسلامیة .
۲۰. مفید ، محمد بن محمد بن نعمان(شیخ مفید)،(۱۳۷۱ه.ق.) اوائل المقالات فی مذهب المختارات، محقق فضل الله زنجانی، تبریز: چرندابی، چاپ دوم.
۲۱. نجاشی، أبو العباس احمد بن علی بن احمد بن العباس(بی تا) الرجال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. عابد جابری ، محمد(۱۳۸۹) سقراط های از گونه ای دیگر ، روشنکران در تمدن عربی ، ترجمه سید محمد آل مهدی ، تهران : انتشارات فرهنگ جاوید .
۲۳. لمبتون ، آن ، کی ، اس (۱۳۷۴) دولت و حکومت در اسلام ، ترجمه سید عباس صالحی و محمد مهدی تهران: موسسه چاپ و نشر عروج .
۲۴. نیومن ، آندرو ، جی(۱۳۸۶) دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان بغداد و قم.
۲۵. نوبختی ، ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت(۱۴۱۲ق.) الیاقوت فی علم الکلام، تحقیق علی اکبر ضیائی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۶. نوبختی ، ابو محمد حسن بن موسی (۱۳۵۳)، فرق الشیعه ، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

